

پاسخ آزمون (۳۵)

۱ صافی = بی‌شائبه = پاک (۰/۲۵)

۲ الف) در حال حاضر (۰/۲۵) ب) آیین، دین، مذهب (۰/۲۵) ج) انواع، گونه‌ها، گروه‌ها (۰/۲۵)

۳ گزینۀ (ب) (۰/۲۵) تبع ← طبع (۰/۲۵)

۴ الف) نظیر (۰/۲۵) ب) خواست (۰/۲۵)

۵ الف) احمال ← اهمال (۰/۲۵) ب) مایع ← مایه (۰/۲۵) ج) مهمل ← محمل (۰/۲۵) د) بیافشرد ← بیفشرد (۰/۲۵)

۶ گزینۀ (ج) (۰/۲۵) سلطان: شاخص (۰/۲۵) [استاد در (الف)، شاخص نیست و نقش مضاف‌الیه دارد. / سلطان در (ب) به تنهایی نیامده و «سلطان ولد» نام فرزند مولاناست.]

۷ الف) غیراسنادی (۰/۲۵) [معنی فرارسیدن و آمدن می‌دهد] (ب) (۲) (۰/۲۵) [گاه سفر شد [که] ... برانیم. «تا» حرف اضافه است. [ج] متمم (۰/۲۵) انا + زمان یا مکان: حرف اضافه + متمم]

۸ الف) تحوّل معنایی (۰/۲۵) ب) گسترش معنایی (۰/۲۵)

۹ الف) بدل (۰/۲۵) [معرب ازی‌دهاک] ب) ایرانی (۰/۲۵) [اسم + ی] ج) کف‌آلود (۰/۲۵) [دیوزاد(ه) و کف‌آلود(ه): بن ماضی + ه (صفت مفعولی)]

۱۰ جمله (ب) (۰/۲۵) طبیعت را زیبا آفریده است. (۰/۲۵)

۱۱ الف) ۲ مورد (۰/۲۵) معطوف و بدل (۰/۲۵) [انتخاب هر نبی و هر ولی:

بدل / هر ولی: معطوف] ب) متمم (۰/۲۵) شیوه بلاغی (۰/۲۵)

۱۲ الف) مجاز (۰/۲۵) [عقل] ب) تشبیه [عشق به بلا] (۰/۲۵) ج) استعاره (۰/۲۵) [کشور] د) پارادوکس یا تشبیه (۰/۲۵) [مرهم بودن زخم]

۱۳ تشبیه (۰/۲۵) استعاره (۰/۲۵) [«شفق به خونا»] و «گرد به زعفران» تشبیه شده‌اند / دامن شام: اضافه استعاری - گرد: استعاره از پرتوهای خورشید]

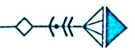
۱۴ پارادوکس (۰/۲۵) زیرا دو امر متضاد هم (حضور و غیبت) با یکدیگر جمع شده‌اند: به گونه‌ای که هر یک دیگری را نقض می‌کند. (۰/۵)

۱۵ الف) نادرست (۰/۲۵) [در معنای اصلی به کار رفته‌اند. [ب] حیات و ذات (۰/۲۵) ج) زندگی (مانند طنابی یا پيله‌ای) در هم تنیده است. (۰/۲۵)

مشبّه به محذوف

۱۶ الف) به‌ترتیب باذل مشهدی (۰/۲۵) مولانا (۰/۲۵) ب) فرانک (۰/۲۵)

۱۷ گزینۀ (الف) (۰/۲۵) [ب] بانگ جرس ج) هم‌صدا با حلق اسماعیل]



- ۱۳ [تاریک: صفت مطلق (۰/۲۵) نورگیر: صفت فاعلی (۰/۲۵) (اسم + بن مضارع)]
- ۱۴ [الف] ۲ (۰/۲۵) [حکم جلودار است (که) ...] ب یک (۰/۲۵) [حکم جلودار]
- ۱۵ [الف] ندیدن دستوری (اجازه) (۰/۲۵) ب کنار (۰/۲۵) (۱) بغل، جنب (قق) ۲ ساحل (غقق)، تناسب با کشتی [ج] رو سر بنه به بالین ... (۰/۲۵)
- ۱۶ [الف] ۶: ایهام تناسب (۰/۲۵) [جنگ ۱] ساز (قق) ۲ دست (غقق) متناسب با رگ و ... [ب] ۱: جناس همسان (۰/۲۵) [جولان: نام سرزمین، تاخت و تاز] ج ۴: مجاز (۰/۲۵) [زمین و زمان مجاز از همه] د ۲: تضمین (۰/۲۵) ه ۳: حس آمیزی (۰/۲۵) [نگریستن به گفتار] و ۵: تلمیح (۰/۲۵)
- ۱۷ [الف] نادرست (۰/۲۵) [در این بیت به دلیل سیاه پوشیدن کعبه، تشخیص داریم. اما کعبه منادا واقع نشده است: ای (کسی که) کعبه ...] متادای محذوف
- ب درست (۰/۲۵) [علت ادبی برای سیاه پوش بودن کعبه و در جوش و خروش بودن فرات]
- ۱۸ [تشبیه (۰/۲۵) / استعاره (۰/۲۵)] [الف] تشبیه: موج به سد / استعاره: موجها (مانند حیوانی) افسارگسیخته هستند ب تشبیه: دل به قصر / استعاره: دل متبیه محذوف
- (مانند خانه‌ای) دارای در است ج تشبیه: گرد به زعفران / گرد استعاره از نور متبیه محذوف
- خورشید د تشبیه: عشق به نشتر / استعاره: روح (مانند جسم) دارای رگ است متبیه محذوف
- ۱۹ [بهاء ولد (۰/۲۵)]
- ۲۰ [روزها (۰/۲۵) / گلستان (۰/۲۵)]
- ۲۱ [پرندۀ ای به نام آذرباد (۰/۲۵)]
- ۲۲ [الف] چراغ همی گشت گرد شهر (۰/۲۵) ب بویی از آن گنجینه (۰/۲۵)
- ۲۳ [منم پور ایران و نام آورم / از نیروی شیران بود گوهرم (۰/۲۵)]
- ۲۴ [الف] عاشقان (۰/۲۵) ب روز اول (۰/۲۵)
- ۲۵ [موجودات روی زمین (۰/۲۵)]
- ۲۶ [الف] ترک جنگ (۰/۲۵) ب جنگ برای غیر خدا (۰/۲۵)
- ۲۷ [الف] شکوفه (۰/۲۵) ب حوادث (۰/۲۵) ج پیر شدن (۰/۲۵)
- ۲۸ [الف] حاج آقا مرتضی پسندیده (۰/۲۵) ب در چله کمان نشانند و به سوی دشمن پرتاب کردن نگاه (۰/۲۵)
- ۲۹ [گزینه (الف) (۰/۲۵)]
- ۳۰ [شهدا (۰/۲۵) / کشور (۰/۲۵)]
- ۳۱ [گزینه (ب) (۰/۲۵)]
- ۳۲ [الف] مرهم (۰/۲۵) ب انکار مخالفان (۰/۲۵)
- ۳۳ [الف] انسان عاقل (۰/۲۵) ب بخشنده است. (۰/۲۵) هر موج از امواج رود سند که سد راه بودند (۰/۲۵) همانند شمیر در چشمان شاه فرو می‌رفت. (۰/۲۵) ج افرادی که از خبر حمله سپاه روس ناراحت شده بودند (۰/۲۵) با مشاهده بزرگی سپاه خوشحال شدند. (۰/۲۵) د گنجایش ذهن کوچکم (۰/۲۵) زیاد می‌شد. (۰/۲۵) ه پیروی از حکم رهبر (۰/۲۵) واجب است. (۰/۲۵) و من این استشهاده نامه را قبول نمی‌کنم (۰/۲۵) و ابدآ ترسی از شاه ندارم. (۰/۲۵) ز در سرزمین کشمیر شکارگاهی زیبا (۰/۲۵) و سبزه‌زاری خوش آب‌وهوا وجود داشت: (۰/۲۵) رفت و آمد شکارچیان (۰/۲۵) در آنجا پی‌درپی بود. (۰/۲۵)

- ۱۸ [دفاع از وطن، کیش فرزانی‌ست (۰/۲۵) گذشتن ز جان، رسم مردانگی‌ست (۰/۲۵)]
- ۱۹ [الف] خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد (۰/۲۵) ب در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری (۰/۲۵)
- ۲۰ [الف] قطعی و حتمی بودن روزی (۰/۲۵) ب تلاش برای کسب روزی (۰/۲۵)
- ۲۱ [گزینه (ج) (۰/۲۵)]
- ۲۲ [الف] ازلی بودن ویرانی دل (۰/۲۵) ب از سر تعمیر دل بگذر (۰/۲۵)
- ۲۳ [سیاست‌مداران بدذات (۰/۲۵)]
- ۲۴ [الف] دو (۰/۲۵) چهار (۰/۲۵) ب یک (۰/۲۵) سه (۰/۲۵)
- ۲۵ [آینده‌نگری (۰/۲۵)]
- ۲۶ [الف] عمرو (۰/۲۵) ب بیت (۱) (۰/۲۵)
- ۲۷ [الف] یونصر (۰/۲۵) ب قاضی بست (۰/۲۵)
- ۲۸ [افراد لایق و شایسته، افرادی که غم جانانه دارند. (۰/۲۵)]
- ۲۹ [الف] شکارچی شاد شد. با غرور و خوشحالی (۰/۲۵) شروع به دویدن کرد (۰/۲۵) تا پرندگان را بگیرد. (۰/۲۵) ب پادشاه از مرگ نجات یافته (۰/۲۵) وارد خیمه شد و لباس عوض کرد (۰/۲۵) و سوار اسب شد. (۰/۲۵) ج مادیات و دبستگی‌های زودگذر (۰/۲۵) نمی‌تواند روح تعالی‌خواه را بی‌ارزش کند. (۰/۲۵) د اگر من حتی بر سنگ که نفوذناپذیر و نفهم است (۰/۲۵) توجه و لطفی داشته باشم (۰/۲۵) او را نیز عاشق خواهم گرداند. (۰/۲۵) ه خداوند اگر در برابر تو سجده نکردم و فروتن نبودم (۰/۲۵) مرا مجازات کن (مرا خوار و ذلیل گردان. (۰/۲۵) و) عزرائیل با خشم و زور (۰/۲۵) یک مشت خاک از روی تمام زمین برداشت. (۰/۲۵) عشق همان موقع با سرعت می‌آمد. (۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۳۶)

- ۱ [گزینه (ب) (۰/۲۵) / ملالت: آزرده‌گی]
- ۲ [عزت (۰/۲۵)]
- ۳ [باحیا (۰/۲۵)]
- ۴ [بزرگ، عظیم (۰/۲۵)]
- ۵ [فروق ← فروغ (۰/۲۵) مفزه ← مفرح (۰/۲۵) قش ← غش (۰/۲۵) نحب ← نهیب (۰/۲۵)]
- ۶ [راجب (۰/۲۵) ← راجع به (۰/۲۵)]
- ۷ [الف] نواحی (۰/۲۵) ب حوزه‌ها (۰/۲۵)]
- ۸ [مرد (۰/۲۵) / یک مرد بی‌زبان آهنگر هستم]
- ۹ [می‌پذیرفت (۰/۲۵) / پذیرفته می‌شد (۰/۲۵)]
- نکته صرفاً افعال مفعول‌پذیر قابلیت مجهول شدن دارند.
- ۱۰ [الف] درست (۰/۲۵) [هر نفس - اکنون] ب بیت (۲) (۰/۲۵) «که» در بیت (۱) در معنای «چه کسی» به کار رفته است. [ج] تماشا (۰/۲۵) [تحول معنایی: در گذشته به معنی رفتن - امروزه به معنی دیدن] د سپهبد (۰/۲۵)
- ۱۱ [مفعول (۰/۲۵) / قید (۰/۲۵)]
- ۱۲ [الف] میز [میرزا]: شاخص (۰/۲۵) [آقای نمی‌تواند شاخص باشد: شاخص باید بدون نقش‌نمای اضافه بیاید و بی‌فاصله به اسم بچسبد. [ب] مضاف‌الیه (۰/۲۵) «ت» در جونت [ج] منادا (۰/۲۵)]

پاسخ آزمون (۳۷)

۱ درست (۰/۲۵) [صلح ≠ غزو = جنگ = حرب = غزا]

۲ ماتم ≠ سور (۰/۲۵)

۳ الف واجب گردانیدن، لازم، ضروری (۰/۲۵) ب رفت و آمد (۰/۲۵)

۴ اساتیر ← اساطیر (۰/۲۵) خبیص ← خبیث (۰/۲۵)

۵ گزینه (ج): هیئت (۰/۲۵)

۶ رغه ← رقه (۰/۲۵) همیت ← حمیت (۰/۲۵)

۷ گزینه (ج) (۰/۲۵) [صغیر و سفیر / توجه کنید که مَحْمِل با مُهْمَل و اَبَد با عَبَد هم آوا نیستند.]

۸ الف رهیل ← رحیل (۰/۲۵) ب استسغا ← استسقا (۰/۲۵)

۹ گزینه (ب) (۰/۲۵) بدل (۰/۲۵) [آن سپهر نبرد]

۱۰ درست (۰/۲۵) [به سفارش آغا محمد خان / عباس میرزا]

شاخص	شاخص	شاخص
گروه منفی	بدل	بدل

۱۱ الف داده آید (۰/۲۵) داده شود (۰/۲۵) ب من بار را بدهم (۰/۲۵)

۱۲ الف درست (۰/۲۵) [همه] ب درست (۰/۲۵) [«و» - «هر چند که»]

ج نادرست (۰/۲۵) [رسته بودند و شکسته بودند: ماضی بعید [رسته و شکسته، مسند نیستند.] / پرواز و دست بسته: مسند] د درست (۰/۲۵) [بن ماضی + ه]

۱۳ الف مثال (۰/۲۵) [همگی دچار تحوّل معنایی شده اند.] ب سوزان (۰/۲۵) [بن مضارع + ان] ج سوزاندنی یا سوختنی (۰/۲۵) د «امیر» در «امیر مسعود» (۰/۲۵)

۱۴ گزینه الف (۰/۲۵) [پند را به من می دهی - گوش من] / گزینه ب: منم

بدرم - مادرم - من را

مضائقه مضائقه منقول

۱۵ گزینه ب (۰/۲۵)

۱۶ الف بیت اول (۰/۲۵) برای امری طبیعی (سیاهی درون گل لاله) علت ادبی آورده است. (۰/۲۵) ب تشبیه (۰/۲۵) تشخیص (۰/۲۵) [تشبیه: لاله به چراغ - شقایق بر پای ایستاده به جام باده بر شاخ زمرد / تشخیص: جان داشتن لاله و پا داشتن شقایق]

۱۷ جناس ناهمسان (۰/۲۵) [بخت و سخت]

۱۸ الف تلمیح (۰/۲۵) ب مورد اضافه ج تضمین (۰/۲۵) د حس آمیزی (۰/۲۵) [سخنان نمکین] ه ایهام تناسب (۰/۲۵) [دوش: ۱ دیشب (قق) ۲ کف (غقق) متناسب با دست]

۱۹ نادرست (۰/۲۵) [چشم (به نشانه) طمع: اضافه استعاری نیست. / روسیه: مجازاً امپراتوری روسیه]

۲۰ الف خجالت کشیدن یا ترسیدن (۰/۲۵) ب عصبانیت زیاد (۰/۲۵)

۲۱ جمله (۱) (۰/۲۵) جمله (۵) (۰/۲۵) [جلال الدین محمّد در «بلخ» متولد شده است و «مثنوی معنوی» را به درخواست حسام الدین نوشته است.]

۲۲ حمیدی شیرازی (۰/۲۵)

۲۳ فرهاد و شیرین (۰/۲۵)

۲۴ خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد (۰/۲۵)

۲۵ گزینه ب (۰/۲۵)

۲۶ ز نیروی شیران بود گوهرم (۰/۲۵)

۲۷ الف خوشحالی (۰/۲۵) ب در هم رفته بودن چهره (۰/۲۵)

۲۸ گزینه ب (۰/۲۵) [سفر بر مدار خطر، دف عشق با دست خون و مرهم بودن زخم، همگی دال بر پذیرش سختی های راه عشق دارند: اما گزینه ب، به آگاهی بخشی شهدا اشاره دارد.]

۲۹ گزینه د (۰/۲۵)

۳۰ الف سلطان محمود (۰/۲۵) ب صدقه (۰/۲۵) ج تکه تکه کردن (۰/۲۵) د حلال بودن (۰/۲۵)

۳۱ الف آفرینش عاشقانه انسان (۰/۲۵) ب عاشق شدن (۰/۲۵)

۳۲ الف تنوع (۰/۲۵) ب پُران بودن (۰/۲۵) ج آشنا شدم (۰/۲۵)

۳۳ انتقام جویی (۰/۲۵) عدالت جویی (۰/۲۵)

۳۴ الف گنجایش ذهن کوچکم (۰/۲۵) زیاد می شد (۰/۲۵) و از هیجان زیاد (۰/۲۵) بالا و پایین می پریدم. (۰/۲۵) ب به متلک و حرف های نادرست دیگران (۰/۲۵) پاسخ ناراحت کننده ای نمی داد. (۰/۲۵) ج چون به شیطان حيله گر (۰/۲۵) اجازه ورود به دل انسان ندادند (۰/۲۵) از همه موجودات جهان رانده شد. (۰/۲۵) د به سمت شیر خشناک (امام علی (ع)) آمد و امام علی (ع) به سمت او رفت. (۰/۲۵) ه شاگردان به خنده افتادند. (۰/۲۵) صدای ترسناک خنده آنان کلاس و مدرسه را لرزاند. (۰/۲۵) اختیام را از دست دادم [دست پاچه شدم]. (۰/۲۵) و عزیز من قیام کن به سمت سرزمین جولان برویم: (۰/۲۵) از آنجا به تاخت و تاز (۰/۲۵) به مرز لبنان برویم. (۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۳۸)

۱ الف گیهان و گیتی (۰/۲۵) ب خدیو و خداوند (۰/۲۵)

۲ گزینه ب (۰/۲۵) [بار و بادپا]

۳ گزینه ج (۰/۲۵)

۴ تحنیت ← تهنیت (۰/۲۵) برله گو ← بذله گو (۰/۲۵) اُنث ← اُنس (۰/۲۵)

۵ الف غزا (۰/۲۵) [قضا و غذا] ب علم (۰/۲۵) [آلم]

۶ الف حلالی ← هلالی (۰/۲۵) ب ترد ← طرد (۰/۲۵) ج یوزان ← یوزان (۰/۲۵)

۷ الف کودکانه (۰/۲۵) [به حدّ فهم ناچیز کودکانه من: گروه متممی] ب بدل (۰/۲۵) [اسعدی، این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان ترین شاعر زبان فارسی،

بدل (۱) معطوف

بدل (۲)

معلم اول ج [لفظی (۰/۲۵) [حذف فعل دارد پس از پرستار و کیوتر] د شاخص بدل (۳)]

(۰/۲۵) [صفت اشاره: آن، این / صفت مبهم: هیچ / صفت شمارشی: یک / صفت عالی: پیرترین و جوان ترین]

۸ گزینه ج (۰/۲۵) [ساختمان و کوشک: تضمّن / شام و سحر - ادبار و اقبال - مذلت و عزلت: تضاد]

۹ الف نهاد (۰/۲۵) ب پیرو (۰/۲۵) ج اسنادی (۰/۲۵)

۱۰ الف حرف ربط وابسته ساز (۰/۲۵) ب خروشید (۰/۲۵) [مفعول پذیر نیست. ج ضحاک (دیو) (۰/۲۵) د خدیو (۰/۲۵)]

۱۱ الف درست (۰/۲۵) [خاله من / نخستین بار] ب نادرست (۰/۲۵) مضائقه صفت شمارشی

[آمد - برادر - است - مکن - بشتاب - است: ۶ جمله / ترکیب وصفی ندارد! همت، چاره ساز است - ره، دراز است] ج درست (۰/۲۵) [نسبی: زَرین / مطلق: خوب - خوش لقا] د نادرست (۰/۲۵) [این قضا شنید: عادی]

۱۲ الف تشبیه یا اضافه تشبیهی (۰/۲۵) ب تضاد یا مجاز (همه جا) (۰/۲۵)

۷ الف) میز = میرزا (۰/۲۵) ب) عینک ساز (۰/۲۵) اسم + بن مضارع (۰/۲۵)
 ۸ الف) نادرست (۰/۲۵) «و» پس از «بود»: حرف ربط هم پایه ساز / پس از «تا» زمان آمده بنابراین حرف اضافه است. ب) درست (۰/۲۵) [دبیر، کافی، مهمات و شوخ، همگی دچار تحوّل معنایی شده‌اند. ج] رفعتی نبشته آمد (۰/۲۵) د) به نشاط (۰/۲۵)

۹ الف) دریغ دوم: تکرار (۰/۲۵) ب) همه: بدل (۰/۲۵)
 ۱۰ الف) تن هر دو از نظر ناپدید شد. (۰/۲۵) ب) مضاف الیه (۰/۲۵) [وابسته‌های پیشین زمانی صفت هستند که پس از آن‌ها اسم بیاید.]

۱۱ گزینه (الف) (۰/۵) [ضمیر پیوسته در مصراع اول «متمم» است. (چو صبر و هوش از ضعیفی برای او نماند)]
 توضیح (ب): ای (کسی که) کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش [است] /

مادای محذوف نهاد ترکیب اضافی ۱
 ترکیب اضافی ۲

وز تشنگیات ...
 ترکیب اضافی ۳

۱۲ الف) دهقانی (۰/۲۵) آتشین (۰/۲۵) ب) یک مورد (۰/۲۵) [ابزار دهقانی: معطوف]

۱۳ گزینه (ب) (۰/۲۵) [تشبیه: «موج» به «سد» و «همه رزمگه» به «کوه فولاد» / موج (مانند حیوان) افسارگسیخته است: استعاره - آهنگین کوه: استعاره از عمرو]

۱۴ جناس همسان (۰/۲۵) [در بر - بر در / که - که] حرف آغوش حرف در کعبه حرف چه کسی اضافه اضافه ربط

۱۵ الف) تشبیه (۰/۲۵) [استعاره: روی روز - دامن شب / جناس: روی و روز] ب) حسن تعلیل (۰/۲۵) [تشبیه: دانه انسان / تلمیح: زندگی پس از مرگ] ج) سجع (۰/۲۵) [مجاز: زمان مجازاً همه / تضمین: روسرینه به بالین تنها مارها کن] د) حسن آمیزی (۰/۲۵) [مجاز: پولاد مجازاً شمشیر / ایهام تناسب: برق] ۱) درخشش (ق ق) ۲) رعد و برق (غ ق ق) متناسب با باران]

۱۶ الف) شهدا (۰/۲۵) ب) دو ویژگی ضدّ هم با یکدیگر جمع شده است. به گونه‌ای که هر یک دیگری را نقض می‌کند. (۰/۵) ج) استعاره (۰/۲۵)

۱۷ اشاره به سرزمینی دارد که در آن خداوند با حضرت موسی (ع) سخن گفت. (۰/۵) گزینه (ب) (۰/۲۵) [حافظ]

۱۹ ج) (۰/۲۵) [منطق الطیر عطار]

۲۰ الف) سه دیدار (۰/۲۵) ب) تحفة الاحرار (۰/۲۵)

۲۱ بیت (ب) (۰/۲۵) شیر خدا و رستم دستانم آرزوست (۰/۲۵)

۲۲ جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما (۰/۵)

۲۳ الف) ۳ (۰/۲۵) ب) ۲ (۰/۲۵)

۲۴ الف) رزمندگان (۰/۲۵) ب) بخشنده و سخاوتمند (۰/۲۵)

۲۵ گزینه (الف) (۰/۲۵) [(ب)، (ج) و (د): امام خمینی (ره) / (الف): شیخ فضل الله نوری]

۲۶ گزینه (الف) (۰/۲۵) واژه «ورطه» به معنای «مهلکه و گرفتاری» است و گوینده با بیان این واژه، ناراحتی خود را از تقدیر ابراز داشته است. (۰/۲۵)

۲۷ ج): بخشندگی (۰/۲۵)

۲۸ د) (۰/۲۵) [(الف)، (ب) و (ج): کاوه / (د): فریدون]

۲۹ ب) (۰/۲۵) [پذیرش سختی‌های راه عشق]

۳۰ الف) ابوسعید ابوالخیر (۰/۲۵) ب) سعدی (۰/۲۵)

۳۱ ب) (۰/۲۵) [(الف) و (ج): معشوق / (ب): عاشق]

۳۲ به مرگ عادی مُردن (۰/۲۵)

۱۳ بادبا (۰/۲۵) [بادبا را چو کشتی در رود افکند.]

۱۴ گزینه (ب) (۰/۲۵) [باریدن تاج: استعاره / بارد و آرد: سجع / تاج: مجازاً بزرگی و عظمت]

۱۵ استعاره (۰/۲۵) [باریدن تیغ و تیغ / هزبر زبان]

۱۶ بارادوکس یا متناقض نما (۰/۲۵) / (ب) (۰/۲۵)

۱۷ الف) حس آمیزی (۰/۲۵) [شیرین زبان] ب) تضمین (۰/۲۵) [روسرینه به بالین ...]

۱۸ گزینه (الف) (۰/۲۵) [تشبیه: کوی عشق / ایهام تناسب: دوش] ۱) دیشب (ق ق) ۲) کنف (غ ق ق) تناسب با دست]

۱۹ گزینه (ب) (۰/۲۵) [(الف) و (ج): جهان مجاز از همه مردم و موجودات]

۲۰ جناس ناهمسان (۰/۲۵) [بر و برگ - خار و خاره]

۲۱ گزینه (د) (۰/۲۵) [هم صدا با خلق اسماعیل: سید حسن حسینی]

۲۲ گزینه (ج) (۰/۲۵) [ادبیات تعلیمی]

۲۳ حسام‌الدین چلبی (۰/۲۵) مثنوی معنوی (۰/۲۵)

۲۴ گزینه (ب) (۰/۲۵)

۲۵ مرا اوج عزّت در افلاک توست (۰/۵)

۲۶ بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد (۰/۲۵)

۲۷ الف) دعوت به بخشندگی (۰/۲۵) ب) عقل و اندیشه ندارند و صرفاً ظاهر دارند. (۰/۲۵)

۲۸ قدرت (۰/۲۵) اسرائیل (۰/۲۵)

۲۹ الف) نامه‌نگاری (۰/۲۵) ب) بهیقي (۰/۲۵)

۳۰ لیلی (عشق) (۰/۲۵) مجنون (۰/۲۵)

۳۱ الف) ارزش و اعتبار خود را از دست دادند. (۰/۲۵) ب) از روی اجبار و ناچاری (۰/۲۵) ج) ضحاک را تأیید کنند و بگویند جز کار نیک، انجام نداده است. (۰/۲۵)

۳۲ الف) گوته (۰/۲۵) ب) حافظ (۰/۲۵)

۳۳ الف) ۱: تجربه و علم (۰/۲۵) ۲: اراده و غیرت (۰/۲۵) ب) قدرت بدون علم (۰/۲۵)

۳۴ الف) امیر مسعود سحرگاه (۰/۲۵) سوار اسب شد (۰/۲۵) و به ساحل رود هیرمند رفت. (۰/۲۵) ب) خاک در نهایت حقارت و خواری (۰/۲۵) در برابر خداوند بزرگ با عزّت، بهانه می‌آورد. (۰/۲۵) ج) دام را بلند کنیم (۰/۲۵) که آزادی مادر این کار وجود دارد. (۰/۲۵) د) مانند شتر، سر به هوا، بی‌نظم (۰/۲۵) و به شدّت بی‌دقت هستی. (۰/۲۵) هـ) لطف خداوند تمامی ندارد. (۰/۲۵) و) پیروی از حکم رهبر (۰/۲۵) واجب است: (۰/۲۵) مشکلات بسیار زیاد هم مانعی نیست. (۰/۲۵) ز) آن دو جنگ‌جو با مهارت (۰/۲۵) در روش جنگیدن (۰/۲۵) ضربه‌های فراوانی را از یکدیگر دفع نمودند. (۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۳۹)

۱ درست (۰/۲۵) [اجازه = رخصت]

۲ الف) دام و تور (۰/۲۵) ب) بی‌قید و شرط (۰/۲۵)

۳ کیش (۰/۲۵)

۴ گزینه (ب): ۲ مورد (۰/۲۵) [مايع ← مایه / هلال ← حلال]

۵ الف) حوضه‌ها ← حوزه‌ها (۰/۲۵) ب) مسهور ← مسحور (۰/۲۵)

ج) فزون‌خواهانه ← فزون‌خواهانه (۰/۲۵)

۶ تعذیه ← تعزیه (۰/۲۵) محیب ← مهیب (۰/۲۵) نذاع ← نزاع (۰/۲۵)

صهن ← صحن (۰/۲۵)

- ۳۳] شاعر با توصیف غروب خورشید، قصد دارد، انعام حکومت خوارزمشاهیان را نشان بدهد. (۰/۲۵)
- ۳۴] شامل اخبار ناخوشایند نباشد. (۰/۲۵)
- ۳۵] الف) ایمان و اعتقاد قلبی، چشمان مرد را بینا ساخت (آگاه نمود). (۰/۲۵) رفت و بر خدا توکل کرد. (۰/۲۵)
- ب) خداوند! به وجود من ارادهٔ بندگی ببخش (۰/۲۵) و مانند افراد بی تفاوت، وجود مرا پیرو هوای نفس قرار نده. (۰/۲۵)
- ج) زمانی که آن جنگجوی قوی‌هیکل و بزرگ زمین خورد (۰/۲۵) جبرئیل به نشانهٔ تشکر دستان امام علی (ع) را بوسید. (۰/۲۵)
- د) در مرگ من گریه نکن و افسوس نخور (۰/۲۵) گرفتاری در دام شیطان موجب افسوس است. (۰/۲۵)
- هـ) هر دو در میان آثار و اشعار سعدی (۰/۲۵) مشغول بهره بردن بودیم. (۰/۲۵)
- و) اعتماد دوستان (۰/۲۵) به بزرگواری عهد و پیمان تو اضافه می‌کند (۰/۲۵) و با میل و جدیت تمام (۰/۲۵) بندهای کبوتران را باز کرد. (۰/۲۵)
- ز) مانند بازیگرهای نمایش دوره‌گردی (۰/۲۵) نقاب زده‌ای. (۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۴۰)

- ۱] ارباب مودت ≠ دشمنان (۰/۲۵)
- ۲] هراس = سهم = هول (۰/۲۵)
- ۳] گزینۀ الف) (۰/۲۵) [رها شده، آزاد]
- ۴] گزینۀ ج) (۰/۲۵)
- ۵] الف) حلال (۰/۲۵) ب) بگذاری (۰/۲۵) ج) قریب (۰/۲۵)
- ۶] الف) تشبیه ← تعبیه (۰/۲۵) ب) عذم ← عزم (۰/۲۵) ج) رمغ ← رمق (۰/۲۵)
- ۷] محلكه ← مهلكه (۰/۲۵) اسرار ← اصرار (۰/۲۵)
- ۸] الف) نادرست (۰/۲۵) [در بیت دوم «شد»ها در معنی «رفت» به کار رفته و غیراسنادی هستند.] ب) نادرست (۰/۲۵) [برنا: صفت مطلق - دانا: صفت فاعلی (دان + ا)]
- ۹] الف) بزمردگی و دل‌تنگی او در غیبت شمس دیده شده بود. (۰/۲۵) ب) سلطان ولد (۰/۲۵) ج) ۲ (۰/۲۵) [مولانا: گروه نهادی - عذرشان: گروه مفعولی]
- ۱۰] الف) پنجمین جمله (۰/۲۵) [می‌کوشیدند]. ب) نادرست (۰/۲۵) [هر یک برای خود می‌کوشید.] ج) گرازان (۰/۲۵)
- ۱۱] الف) بیت اول (۰/۲۵) [تیرخورده] ب) فروغ (۰/۲۵) ج) بیت سوم (۰/۲۵) [هر - آن] د) افکند (۰/۲۵) [مفعول‌پذیر است.]
- ۱۲] الف) ۴ مورد (۰/۲۵) [پدرم - مادرم - شمامتم - پایت]
- ب) سومین (۰/۲۵) [مرا شمامت می‌کرد. / بقیۀ موارد، مضاف‌الیه هستند.]
- ۱۳] ماضی مستمر (۰/۲۵) [داشت آماده می‌کرد]
- ۱۴] ج) ای (کسی که) کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش (است). / منادی مذبذب نهاد

منادا: برادر - منکر - جانان

منادا

- ۱۵] الف) تشبیه و مجاز (۰/۲۵) [تشبیه: چو شاخ درخت / مجاز: بازو مجازاً دست]
- ب) استعاره و جناس (۰/۲۵) [استعاره: دیو استعاره از ضحاک / جناس: خدیو و دیو]
- ج) پارادوکس و تشبیه (۰/۲۵) [زخم تو مانند مرهم است: پارادوکس و تشبیه]
- د) تلمیح و مجاز (۰/۲۵) [تلمیح: ربوده شدن انگشتر حضرت سلیمان (ع) / مجاز: تخت و نگین مجازاً قدرت]
- هـ) حس آمیزی و استعاره (۰/۲۵) [حس آمیزی: ترانه‌های شیرین و بهانه‌های زرین / استعاره: مه استعاره از معشوق]
- و) ایهام تناسب و مجاز (۰/۲۵) [برق: ایهام تناسب ۱) درخشش (ق) ۲) رعد و برق (غ) ق) متناسب با باران / مجاز: پولاد مجازاً شمشیر]
- تذکر: اگر تشبیه و مجاز را به بیت (و) اختصاص می‌دادیم، بیت (الف) بی‌آرایه می‌ماند. در حل سؤالات این چنینی، حواستان باشد!
- ۱۶] الف) ۲ (۰/۲۵) ب) ملک و ملکوت مجازاً همه موجودات (۰/۲۵) ج) آیه شمارهٔ (۲) (۰/۲۵)
- ۱۷] الف) نماد (۰/۲۵) ب) شعله: نماد انسان‌های بخشنده که در معرض دید هستند. چراغدان: زمینه‌سازان بخشندگی که در معرض دید نیستند. (۰/۲۵)
- ۱۸] الف) ادبیات تعلیمی (۰/۲۵) ب) ادبیات انقلاب (۰/۲۵)
- ۱۹] پرهنده‌ای به نام آذرباد: ریچارد باخ (۰/۲۵) روزها: دکتر اسلامی ندوشن (۰/۲۵)
- ۲۰] الف) جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما (۰/۵) ب) رود دژه‌ای گر ز خاکت به باد (۰/۵)
- ۲۱] پیرو هوای نفس هستند. (۰/۲۵)
- ۲۲] الف) ترجیح دادن جهل و ناتوانی بر علم و توانمندی (۰/۲۵) ب) آموختن، یافتن و آزاد بودن (۰/۲۵)
- ۲۳] الف) امام خمینی (۰/۲۵) ب) مطلبی برای ارائه ندارد. (ناتوانی) (۰/۲۵) ج) سکوت همگانی (۰/۲۵)
- ۲۴] همراهی در آسایش (۰/۲۵)
- ۲۵] عمرو (۰/۲۵)
- ۲۶] الف) دو (۰/۲۵) سه (۰/۲۵) ب) قدرت جسمانی (۰/۲۵)
- ۲۷] الف) اشعار سعدی، پایه‌گذار طبع شعری نویسنده بوده است. تأثیر جدی و بسزای اشعار سعدی در طبع شعری نویسنده (۰/۲۵) ب) شروع به کار نویسنده‌گی (ج) انجام کار اشتباه در ناچاری (۰/۲۵)
- ۲۸] جمع کردن بزرگان برای تأیید استشهاده‌نامه (۰/۲۵)
- ۲۹] زیبایی ظاهر و باطن (۰/۲۵)
- ۳۰] الف) ما به اصل خود بازمی‌گردیم: (۰/۲۵) چه کسی تصمیم آمدن دارد؟ (۰/۲۵) ب) وجود و ذات من با عشق پرورده شد: (۰/۲۵) تقدیر و آیندهٔ من جز عشق نباشد. (۰/۲۵) ج) مراسم آن سال فقط ظاهری از تشریفات داشت. (۰/۲۵) د) درباریان دچار نگرانی و ناآرامی بودند. (۰/۲۵) برای پاسداشت هر وجب از آب و خاک این کشور (۰/۲۵) انسان‌های زیادی فدا شده‌اند. (۰/۲۵) هـ) نامه‌ها فرستاده شد (۰/۲۵) برگرد. با نامهٔ امضا و مهرشده بازگشتم (۰/۲۵) و این کارها را برای بونصر شرح دادم. (۰/۲۵) و) هان، ای فردی که معشوق و هدف ما را باور نداری (۰/۲۵) با این نپذیرفتن ما را زخمی کن. (۰/۲۵) ز) رفت و آمد شکارچیان (۰/۲۵) در آنجا پی‌درپی بود. (۰/۲۵) زاغی در اطراف آن بر درخت پر شاخ و برگی خانه داشت. (۰/۲۵)

۳۰ الف) دل نیستن به دنیا (ص ۱۳۳) (۰/۵)

۳۱ الف) کیوتران: فرمان‌پذیری و اطاعت (۰/۲۵) ب) زیرا: زیرکی و

هوشمندی (ص ۱۱۹) (۰/۲۵)

۳۲ الف) گزینۀ (ج) (ص ۸۹) (۰/۲۵)

۳۳ الف) گزینۀ (الف) (ص ۱۱۰) (۰/۲۵)

۳۴ الف) گزینۀ (الف) (ص ۱۰۲) (۰/۲۵)

۳۵ الف) درازی و قد بلند آنان (ص ۱۱۳) (۰/۲۵)

۳۶ الف) معشوقی دست‌نیافتنی (ص ۶۹) (۰/۲۵)

۳۷ الف) سلطان مسعود این کار را بسیار به‌جا انجام داده است (۰/۲۵)

و شنیده‌ام ابوالحسن و پسرش گاهی اوقات حتی ده درهم نیز برای خرج کردن ندارند. (ص ۲۰) ب) ستاره‌های بی‌شمار آسمان در میان آب رودخانه (سند) رقص مرگ می‌کردند. (ص ۲۹) ج) صدای شترهایی که حامل توپ‌های جنگی بودند با صدای شیپور جنگ، در هم آمیخته بود. (ص ۱۳۹) د) (ابلیس) هنگامی که به دل انسان رسید، آن را هم‌چون کاخی (باعظمت) یافت. (ص ۵۹) هـ) رهبر انقلاب قصد از میان برداشتن اشغالگران اسراییلی را دارد: (۰/۲۵) ای یاران انقلاب، لازم است از ولی و رهبرمان حمایت کنیم. (ص ۸۶) و) کاوه به بارگاه پادشاه جدید، فریدون، آمد و مردم، فریدون را در مخفیگاهش دیدند و با دیدن او فریاد شادی سر دادند. (ص ۱۰۳) ز) در هنگام گرفتاری با هم بوده‌ایم. (۰/۲۵) پس در وقت آسایش نیز (۰/۲۵) شایسته است که با هم باشیم. (۰/۲۵) ح) کدام دانه است که پس از کاشتن نروید؟ پس چرا این گمان (ناقص و نادرست) را در مورد انسان داری؟ (و معاد انسان را باور نداری.) (ص ۷۱) (۰/۵)

پاسخ آزمون (۴۲)

۱ الف) گزینۀ (ج) (ص ۱۶۳) (۰/۵)

۲ الف) سریع، آسان (ص ۱۵۷) (۰/۲۵) ب) نوعی توپ جنگی که روی شتر

می‌بستند. (ص ۱۵۹) (۰/۲۵)

۳ الف) اصرار (ص ۶۹ و ۷۰) (۰/۲۵) ب) اهتزاز (ص ۳۱) (۰/۲۵)

۴ الف) گزینۀ (ج) (ص ۵۷) (الف) محمل ب) قربت د) نهیب

۵ الف) گزینۀ (د) (ص ۱۶۳ و ۱۶۵) (۰/۲۵)

۶ الف) مصامحه ← مسامحه (ص ۱۶۶) (۰/۵) امتناء ← امتناع (ص ۱۶۳) (۰/۵)

۷ الف) با واژه دشمن (هر دو مضاف‌الیه هستند.) (ص ۱۱۲) (۰/۵)

۸ الف) داده‌آید: داده‌شود (۰/۲۵) ب) قید (۰/۲۵) ج) متمم (۰/۲۵)

[حرف اضافه] (ص ۱۸)

۹ الف) به معنای شروع کردن (آغاز کردن) است. یعنی شروع به دويدن کرد

(ص ۱۱۸) (۰/۲۵)

۱۰ الف) صفت لیاقت (ص ۹۳) (۰/۲۵) [مصدر + ی]

۱۱ الف) صاحب بصیرت: معطوف - حسام‌الدین معطوف به صلاح‌الدین (ص ۷۸)

(۰/۲۵) / شیخ صلاح‌الدین زerkوب و حسام‌الدین جَلَبی بدل از یاران نزدیک خود

(ص ۶۷ و ۶۹) (۰/۲۵)

۱۲ الف) حذف شناسۀ فعل [«ند» در «می‌کوشیدند»] به قرینۀ لفظی

(ص ۱۱۸) (۰/۵)

پاسخ آزمون (۴۱)

۱ الف) اطاعت (ص ۵۷) (۰/۲۵) ب) به‌طور قطع (ص ۱۰۲) (۰/۲۵)

۲ الف) صباحت (ص ۸۳) (۰/۲۵) ب) قُلا (ص ۱۲۵) (۰/۲۵) ج) هلالی

(ص ۱۰۶) (۰/۲۵)

۳ الف) گزینۀ (ج) (ص ۱۲۰) (۰/۲۵)

۴ الف) اتاق تشریفات (ص ۱۸) (۰/۲۵)

۵ الف) گزینۀ (ب) (۰/۲۵) مناسحت ← مناصحت (۰/۲۵) صیادت ← سیادت

(ص ۱۲۰) (۰/۲۵)

۶ الف) گزینۀ (د) (ص ۹۱) (۰/۲۵) [الف) سحرزاد ب) مرهم ج) هلا]

۷ الف) گزینۀ (الف) (ص ۱۱۱) (۰/۲۵) [ب) بخایید]

۸ الف) دو متقمم (روز - من) (۰/۲۵) ب) «چو» یا «که» (۰/۲۵)

ج) دریغ (۰/۲۵) [تکرار د) نادرست (ص ۷۱)]

۹ الف) مفعول (۰/۲۵) [مرا ب) دریاب (ص ۵۳)]

۱۰ الف) گزینۀ (ج) (ص ۱۰۴) (۰/۲۵) [با حفظ معنای قدیمی، معنای جدید هم گرفته است.]

۱۱ الف) عبارت (ج) یا «شیران غزیدند و به اتفاق، آه‌ورا از دام رهانید.» (ص ۱۰۱ و ۱۰۲) (۰/۵) [شناسۀ فعل «رهانیدند» به قرینۀ فعل قبلی حذف شده است.]

۱۲ الف) صفت اشاره (۰/۲۵) [این ب) مضاف‌الیه (۰/۲۵) (ص ۱۰۳)]

۱۳ الف) میرزاعیسی قائم‌مقام (۰/۲۵) ب) میرزا (۰/۲۵) شاخص (ص ۳۸) (۰/۲۵)

۱۴ الف) چهار جمله (ص ۱۸) (۰/۲۵)

۱۵ الف) گزینۀ (ج) (ص ۱۰۳) (۰/۲۵) [ج): صفت بیانی مطلق / (الف)، (ب) و (د): صفت بیانی فاعلی]

۱۶ الف) گزینۀ (الف) (ص ۲۸) (۰/۲۵)

۱۷ الف) اضافه تشبیهی (ص ۵۸) (۰/۲۵)

۱۸ الف) گزینۀ (ب) (ص ۵۲) (۰/۵)

۱۹ الف) لهجۀ غلیظ (۰/۲۵) ب) دست انداختن (۰/۲۵) کنایه از مسخره کردن (۰/۲۵) ج) او [محذوف] (مشتبّه) (۰/۲۵) پلنگ (مشتبّه‌به) (ص ۱۲۸) (۰/۲۵)

۲۰ الف) ۲ (ص ۸۰) (۰/۲۵) ب) ۳ (ص ۸۷) (۰/۲۵) ج) ۱ (ص ۱۳۰) (۰/۲۵)

۲۱ الف) مرصادالعباد (ص ۵۹) (۰/۲۵)

۲۲ الف) گزینۀ (د) (ص ۷۸) (۰/۲۵) [دکتر اسلامی ندوشن]

۲۳ الف) اسرارالتوحید (۰/۲۵) محمّدين منور (۰/۲۵) (ص ۷۳)

۲۴ الف) در پی او کرد به تقلید جای (ص ۲۴) (۰/۵) ب) مرا اوج عزّت در افلاک توست (ص ۱۱۵) (۰/۵)

۲۵ الف) گزینۀ (د) (ص ۱۲) (۰/۲۵)

۲۶ الف) آداب‌دان بودن (۰/۲۵) ایمان به حساب قیامت (۰/۲۵) (ص ۲۰)

۲۷ الف) عشق‌ورزی (ص ۵۲۳) (۰/۲۵)

۲۸ الف) گزینۀ (د) (ص ۲۹) (۰/۲۵)

۲۹ الف) گزینۀ (ب) (ص ۴۸) (۰/۵)

- ۱۳ الف) متقم (۰/۲۵) ب) گر فرزند باید، باید این‌سان یا مصراع دوم (۰/۲۵) (ص ۳۰)
- ۱۴ گزینه الف) (ص ۳۳) (۰/۲۵) [واژه استاد]
- ۱۵ گزینه ج) (ص ۶۸) (۰/۲۵) [او را: به او]
- ۱۶ گزینه الف) (ص ۱۰۴) (۰/۲۵) [با از دست دادن معنی پیشین و گرفتن معنای جدید به دوره بعد منتقل شده است.]
- ۱۷ کنایه (۰/۲۵) [گریه کردن بسیار] و استعاره (۰/۲۵) [اشک] (ص ۱۲۰)
- ۱۸ الف) درفشان (۰/۲۵) ب) جان داشتن - وجود واژه «وی» (۰/۲۵) ج) داغ استعاره از سیاهی وسط گل لاله (۰/۲۵) (ص ۱۲۱)
- ۱۹ الف) تلمیح به داستان حضرت سلیمان و دیو که انگشتر حضرت را ربود و به جای او بر تخت نشست. (ص ۸۶) (۰/۲۵) ب) ۴ مجاز وجود دارد. (ص ۸۶) (۰/۲۵) [تخت: مجاز از پادشاهی - نگین: مجاز از انگشتر - دست: مجاز از قدرت و اختیار - اهریمن: مجاز و استعاره از دشمن اسرائیلی] (ص ۸۸) (۰/۲۵)
- ۲۰ تضمین (ص ۷۲) (۰/۲۵) [شاعر یا نویسنده، قسمتی از (یا تمامی) یک حدیث، آیه، بیت یا مصراعی از شعر را عیناً در بین اشعار خود بیاورد.]
- ۲۱ «برگ» استعاره از هر یک از سربازان لشکر مغول و «شاخه» استعاره از لشکر مغول (ص ۲۹) (۰/۵)
- ۲۲ تشخیص - حسن تعلیل (۰/۵)
- ۲۳ الف) فرهاد و شیرین: وحشی بافقی (ص ۱۰) (۰/۲۵) د) غزلیات شمس: مولانا (ص ۶۳) (۰/۲۵)
- ۲۴ الف) نادرست (ص ۱۶ و ۵۳) (۰/۲۵) [لیلی و مجنون: نظامی / بهارستان: جامی] ب) درست (ص ۱۲۲) (۰/۲۵)
- ۲۵ الف) به چشمان من کیمیا خاک توست (ص ۱۱۵) (۰/۲۵) ب) آنکه در دستش کلید شهر برآینه دارد (ص ۹۵) (۰/۲۵) ج) رهروی کبک نیاموخته (ص ۲۴) (۰/۲۵)
- ۲۶ گزینه ج) (ص ۶۳) (۰/۲۵)
- ۲۷ بی‌زخم مردن کنایه از مرگ طبیعی است. (ص ۹۱) (۰/۵) [ترجیح شهادت بر مرگ در بستر]
- ۲۸ الف) از مرگ نجات یافته (ص ۱۷) ب) خلقت یا کالبد اولیه آدم (ص ۵۸) ج) دشمن، اسرائیلیان (ص ۸۶) د) لیاقت، توانایی و استعداد (ص ۵۸) هـ) به ترتیب: افکار پوسیده و قدیمی - افکار نو و تازه یا معادل آن (ص ۱۴۲) (۱/۵)
- ۲۹ اعتقاد به معاد و حیات بعد از مرگ (ص ۷۳) (۰/۲۵)
- ۳۰ گزینه ج) (ص ۱۱۳) (۰/۲۵)
- ۳۱ گزینه الف) (ص ۵۵) (۰/۲۵)
- ۳۲ گزینه الف) (ص ۷۳) (۰/۲۵)
- ۳۳ الف) سست و لرزان شدن پایه‌های کفر یا کشته شدن یکی از یاران شیطان (ص ۱۱۲) ب) شرق و غرب جهان از شکست کفر ترسیدند. (ص ۱۱۲) (۰/۲۵)
- ۳۴ جولان اول: نام منطقه‌ای اشغال شده توسط صهیونیست‌ها - جولان دوم: تاخت و تاز (ص ۸۷) (۰/۵)

- ۳۵ الف) دست از کار کشید. [یا تلاشی نکرد و بیکار ماند. (ص ۱۲) (۰/۲۵) ب) پیروی از دستور پیشوا و فرمانده واجب است. (ص ۸۷) (۰/۲۵) ج) اسبش را مانند گشتی به آب انداخت. (ص ۳۰) (۰/۲۵) د) مجنون در عاشقی روز به روز مشهورتر شد - نامش بر سر زبان‌ها افتاد. (نام او در عاشقی شهره شد.) (ص ۵۲) (۰/۲۵) هـ) معلوماتم زیاد می‌شد. (ص ۷۸) (۰/۲۵) و) در آن حال (۰/۲۵) عشق به سرعت می‌آمد. (ص ۵۷) (۰/۲۵) ز) وقتی ضحاک پادشاه شد، حکومت او هزار سال طول کشید. (ص ۱۰۱) (۰/۵) ح) حضرت علی (ع) برای گرفتن اذن ورود به میدان مبارزه با عمرو نزد پیامبر (ص) آمدند اما پیامبر (ص) به ایشان اجازه نبرد ندادند. (ص ۱۱۰) (۰/۵) ط) صیادان در آن مرغزار مداوم (زیاد) رفت‌وآمد (تردد) می‌کردند. (ص ۱۱۸) (۰/۵) ی) ناگهان متوجه شدند که به علت تلاطم و طغیان آب، گشتی از آب پر شد و شروع به غرق شدن و شکستن کرد. (ص ۱۱۷) (۰/۷۵)

پاسخ آزمون (۴۳)

- ۱ الف) مشهور، معروف، نامدار (ص ۱۶۰) (۰/۲۵) ب) استشهاده‌نامه، گواهی‌نامه (ص ۱۶۱) (۰/۲۵) ج) بدگویی، سرزنش، عیب‌جویی (ص ۱۶۵) (۰/۲۵) د) چاره‌اندیشی (ص ۱۰) (۰/۲۵)
- ۲ الف) نهیب (ص ۳۹) (۰/۲۵) ب) خوار (ص ۱۰۱) (۰/۲۵) ج) صواب (ص ۱۱۸) (۰/۲۵) د) آغوز (ص ۷۸) (۰/۲۵)
- ۳ سرلشکر (۰/۲۵)
- ۴ الف) موسم (۰/۲۵) ب) حج (ص ۵۲) (۰/۲۵)
- ۵ ترکیب اضافی (ص ۹۱) (۰/۲۵)
- ۶ خوالیگر (ص ۹۸) (۰/۲۵)
- ۷ «ت ند» در «گرفتند» حذف شده (ص ۱۱۸) (۰/۲۵)
- ۸ الف) ۵ یا کنایه (ص ۷۸) (۰/۲۵) ب) ۱ یا تشخیص (ص ۴۱) (۰/۲۵) ج) ۲ یا تضاد (ص ۱۳۶) (۰/۲۵) د) ۳ یا تشبیه (ص ۱۱۸) (۰/۲۵)
- ۹ مشتبه: فرزند (مجنون) (۰/۲۵) مشتبه‌به: ماه (ص ۵۲) (۰/۲۵)
- ۱۰ گزینه ج) (ص ۹۱) (۰/۲۵) [سیدحسن حسینی]
- ۱۱ گزینه ب) (ص ۱۰) (۰/۲۵) [وحشی بافقی]
- ۱۲ الف) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر (ص ۶۳) (۰/۲۵) ب) گذشتن ز جان، رسم مردانگی‌ست (ص ۱۱۵) (۰/۲۵)
- ۱۳ الف) یاران و طرفداران ضحاک (۰/۲۵) ب) ضحاک (ص ۱۰۲) (۰/۲۵)
- ۱۴ آگاهی و بصیرت یافت و بر خداوند تکیه و اعتماد کرد. (ص ۱۱۲) (۰/۵) [و یا هر پاسخ مشابه دیگر]
- ۱۵ سهل ممتنع (ص ۷۷) (۰/۲۵)
- ۱۶ دچار تردید و گمان شدن، دو دل شدن (ص ۳۹) (۰/۲۵) [و یا هر پاسخ مشابه دیگر]
- ۱۷ الف) کاردانی (ص ۱۰۶) (۰/۲۵) ب) گذرا بودن روزگار (ص ۱۳۳) (۰/۲۵) [و یا هر پاسخ مشابه دیگر]
- ۱۸ الف) در زمان آسایش، همراهی و هم‌فکری شایسته‌تر است. (ص ۱۲۰) (۰/۵) ب) اندیشه حمله روس‌ها مانند کابوس روی دربار فتحعلی‌شاه افتاده بود. (ص ۲۳۹) (۰/۵)
- ۱۹ الف) اگر از روی طمع آبی را خوردم مرا مورد سرزنش قرار نده که کار بدی کردم، چرا که صحرا بود و تابستان و هوا گرم و بیماری عطش آب داشتم. (ص ۷۸) (۰/۵) ب) روح متعالی انسان به واسطه زمینی بودن تبدیل به گرد و غبار نمی‌شود چرا که هر لحظه روح انسان در حال پرواز است. (ص ۱۳۶) (۰/۵)

۳۱] دل یا قلب (ص ۵۸) (۰/۷۵)

۳۲] از بین رفتن ارزش‌ها (رواج ناهنجاری‌ها در جامعه / بی‌ارزش شدن فضایل

اخلاقی) (ص ۱۰۱) (۰/۷۵)

۳۳] شیر اله: حضرت علی (ع) (۰/۷۵) ازدها: عمرو (۰/۷۵) (ص ۱۱۱)

۳۴] وجود مشکلات و موانع (ص ۸۶) (۰/۷۵)

۳۵] درازی قد یا هر معنی یا مفهوم مشابه دیگر (ص ۱۲۴) (۰/۷۵)

۳۶] الف) سخت بودن تغییر عادت‌ها (ترس از تغییر عادت‌ها) (ص ۴۲)

(۰/۷۵) ب) بازگشت همه به عالم بالاست (ص ۷۰) (۰/۷۵) ج) تأکید بر شکرگزاری در هر شرایطی (ص ۱۳۶) (۰/۷۵)

۳۷] الف) اعتقاد به مشیت الهی (ص ۸۰) (۰/۷۵) ب) فروتنی شرط رسیدن به بزرگی است. (به نوشتن خود کلمه «فروتنی» نیز نمره تعلق می‌گیرد.) (ص ۱۱۴) (۰/۷۵)

۳۸] الف) با شادی شروع به نوشتن کرد. (ص ۱۸) (۰/۷۵) ب) عشق با شتاب می‌آمد. (ص ۵۷) (۰/۷۵) ج) آن یکی یاری‌کننده (مددکننده) زندگی است یا آن یکی یاری‌کننده حیات است. (به اشاره به معنی «مُمد» به تنهایی نمره تعلق می‌گیرد. (ص ۱۱۴) (۰/۷۵) د) من کمین کردم. [در پی فرصت بودم.] (ص ۱۲۵) (۰/۷۵) هـ) نمی‌دانست در کجا ساکن شود یا اقامت کند. (ص ۷۵) (۰/۷۵) و) از آن‌ها که به شهادت رسیدند (۰/۷۵) و خطر را پذیرفتند. (ص ۹۱) (۰/۷۵) ز) ای جوان به انسان ضعیف (پیر و ناتوان) (۰/۷۵) کمک کن. (ص ۱۳۳) (۰/۷۵) ح) وقتی که لشکر او را محاصره کرد (۰/۷۵) اسب را مانند کشتی در آب انداخت. (ص ۱۳۰) (۰/۷۵) ط) خرامان (با ناز و تکبر) (۰/۷۵) شروع به دویدن کرد. (ص ۱۱۸) (۰/۷۵) ی) یعنی امام خمینی (ره) مانند حضرت موسی (۰/۷۵) قصد نابودی (۰/۷۵) دشمن (اسرائیلی‌ها) را کرد. (ص ۸۶) (۰/۷۵)

پاسخ آزمون (۴۵)

۱] وقیعت: بدگویی، سرزنش، عیب‌جویی (ص ۱۲۰) (۰/۷۵)

۲] گزینه (ج) (ص ۸۱) (۰/۷۵) [بذله‌گو: شوخ، لطیفه‌پرداز]

۳] گزینه الف) (ص ۱۱۲) (۰/۷۵)

۴] گزینه (د) (ص ۱۰) (۰/۷۵)

۵] گزینه (ب): بحر (۰/۷۵) بهر (ص ۱۱۰) (۰/۷۵)

۶] الف) قلا (ص ۱۲۵) (۰/۷۵) ب) گزارده (ص ۲۰) (۰/۷۵)

۷] سفیر (۰/۷۵) سفیر (ص ۳۹ و ۴۱) (در صورتی که کلمه «سفیر» به تنهایی نوشته شود، نمره کامل تعلق می‌گیرد.)

۸] الف) صفر (ص ۱۳۳) (۰/۷۵) ب) حمیت (ص ۱۶) (۰/۷۵)

۹] میرزا (ص ۱۲۹) (۰/۷۵)

۱۰] گزینه الف) (ص ۱۰۴) (۰/۷۵)

۱۱] قید (ص ۱۰۱) (۰/۷۵)

۱۲] الف) داده آید (ب) تب (۰/۷۵) معطوف (ص ۱۸) (۰/۷۵)

۱۳] الف) گرفتار (ص ۹۲) (۰/۷۵) [مفعولی] ستودنی (ص ۹۳) (۰/۷۵) [لیاقت]

۱۴] الف) مفعول (۰/۷۵) [مرا] ب) متمم (ص ۵۳) (۰/۷۵) [به من توفیق بده]

۱۵] الف) نادرست (ب) درست (ص ۱۲) (۰/۷۵)

۱۶] الف) رفت یا فعل غیراسنادی (۰/۷۵) (ص ۱۱۴) ب) فعل اسنادی (ص ۱۱۱)

۱۷] الف) گر (ب) متمم (ص ۸۷) (۰/۷۵)

۱۸] گزینه (ج) (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۱۹] الف) مجاز (ص ۱۲) (ب) کنایه (ص ۵۲) (ج) ایهام (ص ۱۰۲)

(۰/۷۵) د) استعاره یا مجاز (ص ۱۰۲) (۰/۷۵)

پاسخ آزمون (۴۴)

۱] تمکن (ص ۱۶۱) غنا (ص ۱۶۰) (۰/۷۵) [اشاره به هر دو واژه الزامی است.]

۲] انبوه، پرشاخ و برگ (ص ۱۶۴) (۰/۷۵)

۳] هزبر: شیر (ص ۱۶۴) (۰/۷۵) مخنقه: گردن‌بند (ص ۱۵۸) (۰/۷۵)

۴] الف) صباحت (ص ۸۳) (۰/۷۵) ب) مرهم (ص ۹۱) (۰/۷۵)

۵] الف) مهمل ← محمل (ص ۵۲) (۰/۷۵) ب) بگذارند ← بگزاردند (ص ۱۲۰)

(۰/۷۵) ج) نحیب ← نهیب (ص ۲۷۹) (۰/۷۵) د) عظم ← عزم (ص ۱۵۵) (۰/۷۵)

۶] اسرار ← اصرار (ص ۱۶۳) (۰/۷۵) خاست ← خواست (ص ۱۶۰) (۰/۷۵)

۷] گزینه (ب) (ص ۱۱۸) (۰/۷۵) [اختلاف]

۸] الف) گزینه (۱) (ص ۹۱) (۰/۷۵) ب) گزینه (۳) (ص ۱۶۲) (۰/۷۵)

۹] الف) گزینه (۲) (ص ۵۱۳) (۰/۷۵) ب) مضارع التزامی (به نوشتن «مضارع» به تنهایی نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد؛ با توجه به آموزه کتاب درسی در صفحه ۱۴۷) (ص ۱۱۴) (۰/۷۵)

۱۰] ز شاه (۰/۷۵) دست بر سر زد (۰/۷۵) (ص ۱۰۱) [دست ز شاه بر سر زد]

۱۱] الف) شاخص (۰/۷۵) ب) مضاف‌الیه (ص ۳۹)

۱۲] الف) درست (ص ۱۱۴) (۰/۷۵) ب) نادرست (ص ۱۱۱) (۰/۷۵) ج) درست (ص ۴۲) (۰/۷۵)

۱۳] الف) بدل یا قید (۰/۷۵) مسند (۰/۷۵) ب) هر: صفت مبهم (ص ۵۲)

۱۴] گزینه الف) (ص ۱۸) (۰/۷۵) [داده آید]

۱۵] گزینه الف) (ص ۵۳) (۰/۷۵) [در بر - بر در]

۱۶] الف) نماد یا استعاره یا تشخیص یا مجاز (ص ۱۴۰) (۰/۷۵) ب) متناقض‌نما (بارادوکس) یا واج‌آرایی (ص ۷۷) (۰/۷۵) ج) تشبیه (اضافه تشبیهی) (ص ۷۱) (۰/۷۵)

۱۷] اغراق (ص ۱۱۰) (۰/۷۵)

۱۸] سهل ممتنع بودن (ص ۷۷ و ۷۹) (۰/۷۵)

۱۹] ملّی و قهرمانی (ص ۱۰۵) (۰/۷۵)

۲۰] حافظ (ص ۱۱۴) (۰/۷۵)

۲۱] الف) (۳) (ص ۵۷) (۰/۷۵) ب) (۱) (ص ۱۱۹) (۰/۷۵)

۲۲] مثنوی (ص ۵۳) (۰/۷۵)

۲۳] حس‌آمیزی / تضاد / مراعات نظیر / تناسب / کنایه / افت و خیز داشتن / به راه راست آوردن (ص ۴۲ و ۷۰) (۰/۷۵)

۲۴] گزینه (ج) (ص ۲۸) (۰/۷۵)

۲۵] اسرارالتوحید: محمدبن منور (ص ۷۴) (۰/۷۵) شلو‌ارهای وصله‌دار: رسول پرویزی (ص ۱۲۹) (۰/۷۵)

۲۶] جبران خلیل جبران (ص ۱۱۴) (۰/۷۵)

۲۷] الف) رفت بر این قاعده روزی سه بار (ص ۲۴) (۰/۷۵) ب) (۲): عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد (ص ۹۵) (۰/۷۵) ج) (۱): رود دژه‌ای گر ز خاکت به باد / به خون من آن دژه آغشته باد (ص ۱۱۵) (۰/۷۵) د) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست (ص ۶۳) (۰/۷۵)

۲۸] الف) قانع بودن (ص ۲۰) (۰/۷۵) ب) مسئولیت‌پذیر بودن (ص ۱۲۰)

(۰/۷۵) ج) وفادار بودن (ص ۵۳) (۰/۷۵)

۲۹] میدان جنگ (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۳۰] با اشتیاق به استقبال شهادت رفتن (ص ۹۱) (۰/۷۵)

۲۰] کلاس (۰/۷۵) مجاز از دانش‌آموزان (۰/۷۵) (ص ۱۲۹)

۲۱] گزینه (ج) (ص ۹۱) (۰/۷۵)

۲۲] گزینه (الف) یا «بیت‌های سوم و اول» (ص ۸۶) (۰/۷۵)

۲۳] بار (ص ۱۳۹) (۰/۷۵)

۲۴] الف) غیرقابل مهار، رام نشده (ص ۱۲۴) (۰/۷۵) ب) شتابان آمدن، به سرعت در حرکت بودن (ص ۵۷) (۰/۷۵)

۲۵] الف) نادرست (ص ۱۲۰) (۰/۷۵) نصرالله منشی: مترجم ب) درست (ص ۱۶ و ۷۳) (۰/۷۵)

۲۶] گزینه (الف) (ص ۱۳۲) (۰/۷۵)

۲۷] «نادر ابراهیمی» یا «ابراهیمی» (ص ۱۱۳۷) (۰/۷۵)

۲۸] گزینه (د) (ص ۹۵) (۰/۷۵)

۲۹] دفاع از وطن، کیش فرزانی‌ست (ص ۱۱۵) (۰/۷۵)

۳۰] آن‌که در دستش کلید شهر پر آینه دارد (ص ۹۵) (۰/۷۵)

۳۱] گزینه (ب) (ص ۱۲۰) (۰/۷۵)

۳۲] الف) فراوانی سپاه (ص ۲۹) (۰/۷۵) ب) وفاداری مجنون (ص ۵۳) (۰/۷۵) ج) اعتقاد به معاد (ص ۷۱) (۰/۷۵) د) مظلومیت کاوه (ص ۱۰۱) (۰/۷۵)

۳۳] دور او جمع شده بودند. (او را احاطه کرده بودند.) (ص ۱۱۳۷) (۰/۷۵)

۳۴] گزینه (ب) یا «مثل مور و ملخ» (ص ۱۳۹) (۰/۷۵)

۳۵] «شمس‌الدین تبریزی» یا «شمس» (ص ۶۸) (۰/۷۵)

۳۶] زیرا ریاست کیوتران را به عهده گرفته است. (ص ۱۲۰) (۰/۷۵)

۳۷] آماده بودن همه شرایط خطا (یا هر مفهوم مشابه دیگر) (ص ۷۸) (۰/۷۵)

۳۸] آفرینش انسان و خلقت آدم (به اشاره به واژه «انسان» یا «آدم» نمره تعلق می‌گیرد.) (ص ۵۸) (۰/۷۵)

۳۹] فریب شیطان را خوردن (به دام شیطان افتادن) (ص ۷۱) (۰/۷۵)

۴۰] الف) (۴) (ص ۵۷) (۰/۷۵) ب) (۱) (ص ۵۸) (۰/۷۵) ج) (۳) (ص ۵۸) (۰/۷۵)

۴۱] الف) مولانا مردی ضعیف و لاغر بود. (ص ۷۰) (۰/۷۵) ب) ضحاک با سختی به پادشاهی خود ادامه داد. (ص ۱۰۱) (۰/۷۵) ج) آگاه باش، اولین شرط عشق (۰/۷۵) رازداری و حفظ اسرار است. (ص ۹۱) (۰/۷۵) د) من شاهدی (۰/۷۵) برای این استشهادنامه نخواهم بود. (استشهادنامه را تأیید نمی‌کنم.) (۰/۷۵) (ص ۱۰۲) هـ) و سلطان را دیدم (۰/۷۵) که بالای تخت نشسته است. (۰/۷۵) (ص ۱۸) و) این غولان (مغولان) را به سختی عذاب خواهم داد. (ص ۱۳۰) (۰/۷۵) ز) نوجوانی با قد متوسط (۰/۷۵) و با اندامی زیبا. (ص ۱۳۸) (۰/۷۵) ح) در آن دست صید بسیاری وجود داشت (۰/۷۵) و صیادان همیشه به آنجا (۰/۷۵) رفت‌وآمد داشتند. (ص ۱۱۸) (۰/۷۵)

پاسخ آزمون (۴۶)

۱] دغل (ص ۱۱۲) (۰/۷۵)

۲] قدم (ص ۲۴) (۰/۷۵) [خطوه: گام، قدم]

۳] گزینه (الف) (ص ۱۱۹) (۰/۷۵) [خایب: ناامید، بی‌بهره]

۴] جنگ (ص ۱۱۲) (۰/۷۵)

۵] گزینه (د) (ص ۱۳۴) (۰/۷۵) [الف] چیره‌گی ← چیرگی ب) خاست ←

خواست ج) صیرت ← سیرت]

۶] گزینه (ب) (ص ۱۲۰) (۰/۷۵)

۷] الف) حلاوت (ص ۱۰) (۰/۷۵) ب) مغنم (ص ۱۲۷) (۰/۷۵) ج) الحاح (ص ۱۰۶) (۰/۷۵) د) محمل (ص ۵۲) (۰/۷۵)

۸] فراق (۰/۷۵) شکل صحیح کلمه: فراغ (۰/۷۵) (ص ۱۲۰) (در صورتی که تنها واژه «فراغ» نوشته شود کل نمره تعلق می‌گیرد.)

۹] گزینه (ب) (ص ۱۱۳) (۰/۷۵) [در همه گزینه‌ها رابطه معنایی «تضمن» است در گزینه (ب) «تضاد».]

۱۰] گزینه (ب) (ص ۱۸) (۰/۷۵) [داده آید]

۱۱] گزینه (ب) (ص ۵۷) (۰/۷۵) [الف] تکرار ب) بدل و معطوف]

۱۲] سینه پرجوش سوی کعبه آمد (سوی کعبه سینه پرجوش آمد)، (۰/۷۵) چون کعبه حلقه در گوش نهاد. (۰/۷۵) (ص ۵۲)

۱۳] قید (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۱۴] «صواب» (ص ۱۱۸) (۰/۷۵) [صواب و ثواب] / (در صورتی که واژه «ثواب» را نیز بنویسند، نمره تعلق می‌گیرد.)

۱۵] گزینه (د) (ص ۱۱۴) (۰/۷۵) [دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد (شد: رفت)]

۱۶] گزینه (ب) (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۱۷] گزینه (ب) (ص ۱۰۴) (۰/۷۵)

۱۸] الف) محضر (۰/۷۵) ب) مسند (۰/۷۵) (ص ۱۰۲)

۱۹] دشمن (۰/۷۵) مضاف‌الیه (۰/۷۵) (ص ۱۱۲)

۲۰] الف) ستودنی (۰/۷۵) ب) خندان (۰/۷۵) (ص ۹۲)

۲۱] صبح بی‌تورنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد (۰/۷۵) بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد (۰/۷۵) (ص ۹۵)

۲۲] گزینه (ب) (ص ۱۱۵) (۰/۷۵)

۲۳] گزینه (ب) (ص ۱۱۵) (۰/۷۵)

۲۴] گزینه (ب) (ص ۵۳) (۰/۷۵) [یلی و مجنون: نظامی]

۲۵] گزینه (الف) (ص ۷۸) (۰/۷۵)

۲۶] الف) درست (ص ۱۰۶) (۰/۷۵) ب) نادرست (ص ۱۲۰) (۰/۷۵) [ترجمه]

۲۷] مجاز (ص ۱۳۸) (۰/۷۵)

۲۸] الف) تشبیه (اضافه تشبیهی) (ص ۲۹) (۰/۷۵) ب) متناقض نما (بارادوکس) (ص ۸۰) (۰/۷۵)

۲۹] دل برکندن (۰/۷۵) کنایه از رفتن و ترک کردن (۰/۷۵) (ص ۶۹)

۳۰] دانه (ص ۷۱) (۰/۷۵)

۳۱] الف) جناس همسان (ص ۸۷) (۰/۷۵) [نام سرزمینی - تاخت و تاز ب) استعاره (ص ۹۱) (۰/۷۵) [لاله استعاره از شهید - باغ استعاره از میهن]

۳۲] خرق عادت (ص ۱۱۲) (۰/۷۵)

۳۳] «جناس» یا «جناس ناهمسان» (ص ۹۱) (۰/۷۵)

۳۴] گزینه (ب) (ص ۵۲) (۰/۷۵) [تشبیه: چو ماه / جناس: جهد و مهد]

۳۵] نظام احسن آفرینش (ص ۱۰) (۰/۷۵)

۳۶] الف) خاک، راضی نمی‌شود. (ص ۵۷) (۰/۷۵) ب) ضرر حرف نسنجیده بدتر از ضرر غذای خام است. (ص ۱۱۶) (۰/۷۵)

۳۷] الف) سرخی آسمان هنگام غروب (ص ۲۹) (۰/۷۵) ب) تعداد زیاد کشته‌شدگان جنگ (ص ۲۹) (۰/۷۵) [میدان جنگ]

۳۸] گزینه (الف) (ص ۱۰۶) (۰/۷۵)

۳۹] فرعونیان: صهیونیست‌ها - اسرائیلیان (۰/۷۵) / موسی: رهبر - امام خمینی (۰/۷۵) (ص ۸۶)

پاسخ آزمون (۴۸)

- ۱ گران: سنگین و عظیم (ص ۲۹) (۰/۲۵)
- ۲ صحرا (ص ۸۱) (۰/۲۵)
- ۳ راهوار = باره (ص ۸۶) (۰/۲۵) (به نوشتن هر دو واژه با هم، نمره تعلق می‌گیرد و نه یک واژه به تنهایی.)
- ۴ گزینۀ (ب) یا «التفات» (ص ۱۱۸) (۰/۲۵)
- ۵ ازل (ص ۵۸) (۰/۲۵)
- ۶ الف طرد (ص ۴۹) (۰/۲۵) (ب) هولم (ص ۱۵۵) (۰/۲۵)
- ۷ الف ۲ (ص ۱۲۸) (۰/۲۵) [مصحور ← مسحور / اضطراب ← اضطراب] (ب) ۳ (ص ۱۱۷) (۰/۲۵) [خاست ← خواست / هزاحز ← هزاهز / خواست ← خاست]
- ۸ الف خان ← خوان (ص ۱۴۵) (ب) حلالی ← هلالی (ص ۱۰۶) (۰/۲۵)
- ۹ تضمّن (ص ۱۳۶) (۰/۲۵)
- ۱۰ فرانک (۰/۲۵) بدل (ص ۹۹)
- ۱۱ الف «نسبی» (ص ۷۵) (ب) فاعلی (ص ۲۹) (۰/۲۵) (صرفاً به نوشتن «درویشانه» یا «روان» نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد.)
- ۱۲ گزینۀ (ج) (ص ۱۲) (۰/۲۵)
- ۱۳ الف شاخص (ص ۲۰) (۰/۲۵) [فاضی] (ب) «صفت بیانی»، «صفت فاعلی» یا «صفت» (ص ۱۱۲) (۰/۲۵) [خبیرگشا]
- ۱۴ گزینۀ (ب) (ص ۱۴۰) (۰/۲۵)
- ۱۵ شمس کشته شد (۰/۲۵) شمس را کشتند / شمس را کشت (ص ۶۹) (ذکر نهاد جمله اجباری نیست. / چنانچه از ابتدا فقط صورت معلوم شده جمله مجهول نوشته شود، نمره کامل تعلق می‌گیرد.)
- ۱۶ الف مفعول (ص ۵۳) [مرا] (ب) مضاف‌الیه (ص ۲۰) (۰/۲۵) [ستدن آن]
- ۱۷ الف «وضعیت الف» یا «از فهرست واژگان حذف شده» یا «محذوف» یا «متروک» (ص ۱۰۲) (۰/۲۵) (ب) «وضعیت ب» یا «با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده» یا «تحوّل معنایی» یا «تغییر معنایی» (ص ۱۸) (۰/۲۵)
- ۱۸ الف متمم (۰/۲۵) (ب) واو عطف (ص ۹۱)
- ۱۹ «یادبا» یا «اسب» (ص ۱۳۰) (۰/۲۵)
- ۲۰ الف «سود و برخورداری‌ها» یا «افراد مفید و بخشنده‌ای که تلاش‌شان در معرض دید است.» (۰/۲۵) (ب) در سایه ایستادن (۰/۲۵) (ص ۱۴۰)
- ۲۱ مردم (ص ۱۰۲) (۰/۲۵) [جهان]
- ۲۲ الف کمان‌گیر (ب) شمشیر (ص ۳۰ و ۳۲) (۰/۲۵) (به نوشتن هر دو مورد با هم نمره تعلق می‌گیرد و نه یک مورد.)
- ۲۳ تشخیص (ص ۵۷) (۰/۲۵)
- ۲۴ واج‌آرایی (ص ۷۱) (۰/۲۵)
- ۲۵ ذوق لطیف (ص ۷۷) (۰/۲۵)
- ۲۶ «جناس ناهمسان» یا «جناس» (ص ۱۲) (۰/۲۵)
- ۲۷ «خرق عادت» یا «داستانی» (ص ۱۰۱) (۰/۲۵)
- ۲۸ الف (۳) (ص ۱۱۲) (ب) (۱) (ص ۹۱) (۰/۲۵)
- ۲۹ الف درست (ص ۶۳) (ب) نادرست (ص ۹۱) (۰/۲۵) (ج) نادرست (ص ۴۹) (۰/۲۵)
- ۳۰ چشمه روشن (ص ۹۹) (۰/۲۵)

۴۰ از خودگذشتگی مجنون (ص ۵۱۳) (۰/۲۵)

۴۱ الف ۵ (ص ۱۲۰) (۰/۲۵) (ب) ۳ (ص ۲۴) (۰/۲۵) (ج) ۱ (ص ۵۳) (۰/۲۵) (د) ۲ (ص ۱۲۳) (۰/۲۵)

۴۲ الف هنوز به خوبی آن را در خاطر دارم. (ص ۱۲۴) (۰/۲۵) (ب) اطاعت کردن (۰/۲۵) از دستور رهبر واجب است. (ص ۸۷) (ج) این هدیه (۰/۲۵) باعث افتخار من است. (ص ۲۰) (د) به مانند مار حلقه زده (۰/۲۵) از جا پرید. (۰/۲۵) (ه) معشوق (۰/۲۵) گریزان (۰/۲۵) را به نزد من بازگردانید. (ص ۶۹) (و) اهل بازار (۰/۲۵) اطراف او جمع شدند. (ص ۱۰۲) (ز) هنگامی که محاصره شد (۰/۲۵) اسبش را مثل کشتی در رود انداخت. (ص ۳۰) (ح) وگرنه سرزنش گران (۰/۲۵) فرصت (۰/۲۵) بدگویی (۰/۲۵) پیدا می‌کنند. (ص ۱۲۰)

پاسخ آزمون (۴۷)

- ۱ الف ناراست، حيله گر (ص ۱۲) (۰/۲۵) روز جمعه (آخرین روز هفته) (ص ۹۵) (۰/۲۵)
- ۲ الف هدیه (ص ۷۵) (ب) ناامید (ص ۱۱۹) (۰/۲۵)
- ۳ الف صغیر (ص ۱۳۹) (ب) الحاج (ص ۱۰۶) (۰/۲۵)
- ۴ گزینۀ (الف) (۰/۲۵) برخاست ← برخاست (ص ۵۲)
- ۵ گزینۀ (الف): استاد معین، فرهنگ فارسی را در شش جلد تدوین کرد. (ص ۴۳) (۰/۲۵)
- ۶ «م» در «عشقم» (۰/۲۵) مفعول (۰/۲۵) (ص ۵۳)
- ۷ تناسب (ص ۱۲) (۰/۲۵)
- ۸ نغمه عشق (ص ۹۱) (۰/۲۵)
- ۹ محضر (ص ۱۰۲) (۰/۲۵)
- ۱۰ گزینۀ (ب) (ص ۴۱) (۰/۲۵) [گنجه با واپسین رمق‌هایش، زیر سقفی از دود و غبار نفس می‌کشد.]
- ۱۱ الف مشبه (۰/۲۵) (ب) مشبه به (۰/۲۵) (ص ۱۱۸)
- ۱۲ الف ۳ یا متناقض نما (ص ۲۹) (۰/۲۵) (ب) ۴ یا استعاره (ص ۹۱) (۰/۲۵) (ج) ۱ یا کنایه (ص ۵۲) (۰/۲۵)
- ۱۳ گزینۀ (ج) (ص ۱۶) (۰/۲۵) [بهارستان: جامی]
- ۱۴ گوته (ص ۱۳۶) (۰/۲۵)
- ۱۵ گزینۀ (الف) یا «خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد» (ص ۹۵) (۰/۲۵)
- ۱۶ گزینۀ (ب) (ص ۱۱۵) (۰/۲۵) [ایران - شیران]
- ۱۷ گزینۀ (الف) (ص ۱۲) (۰/۲۵) [بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش]
- ۱۸ الف ۵ یا اینار (ص ۱۱۸) (ب) ۱ یا اثرگذار بودن (ص ۷۳) (۰/۲۵) (ج) ۲ یا غیرت (ص ۱۶) (۰/۲۵) (د) ۳ یا صبوری در راه عشق (ص ۹۱) (۰/۲۵)
- ۱۹ گزینۀ (د) (ص ۱۹) (۰/۲۵) [حمایت از مردان حق]
- ۲۰ الف درست (ص ۷۷) (ب) نادرست (ص ۱۱۴) (۰/۲۵)
- ۲۱ خورشید طلوع کرد. (بیرون آمد.) (۰/۲۵) [در چاپ سال ۱۴۰۴ این عبارت از کتاب درسی حذف شده است.]
- ۲۲ به حجم و اطلاعات ذهنم اضافه می‌شد. (ص ۷۸) (۰/۲۵)
- ۲۳ انسان‌های فرومایه (۰/۲۵) اهل اندیشه نیستند و فقط ظاهر انسانی دارند. (ص ۱۳) (۰/۲۵)
- ۲۴ سرزنش‌کنندگان (۰/۲۵) فرصت عیب‌جویی (بدگویی) پیدا می‌کنند. (ص ۱۲۰) (۰/۲۵)
- ۲۵ پادشاه (ضخاک) (۰/۲۵) با عصبانیت به او (کاوه) گفت... (ص ۱۰۱)

۳۱] گزینه (ب) یا «عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد» (ص ۹۵) (۰/۷۵)

۳۲] جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما (ص ۹۵) (۰/۷۵)

۳۳] به چشمان من کیمیا خاک توست (ص ۱۱۵) (۰/۵) فقط به نوشتن مصراع به طور کامل، نمره تعلق می‌گیرد. لطفاً نمره ۰/۲۵ برای نوشتن نصف مصراع، منظور نگردد.

۳۴] تحسین دلاوری‌ها و شجاعت‌ها توسط دشمن (ص ۳۰ و ۴۲) (۰/۵)

۳۵] تکامل یافتن - رشد و پیشرفت (ص ۱۵۳) (۰/۵)

۳۶] گزینه (ج) (ص ۱۰) (۰/۷۵)

۳۷] الف (۴) (ص ۱۵) (ب) (۳) (ص ۶۲) (ج) (۲) (ص ۱۱۹) (د) (۱) (ص ۱۵۲) (۰/۷۵)

۳۸] قانع بودن» یا «اهمیت دادن به حلال و حرام» (ص ۲۰) (۰/۵)

۳۹] بازگشت به اصل خویش (ص ۷۰) (۰/۵)

۴۰] «خدا» (ص ۰/۷۵) «ضحاک» (ص ۱۰۲)

۴۱] چشمانم ضعیف بود. (ص ۱۲۴) (۰/۷۵)

۴۲] برای چاره‌جویی (۰/۷۵) به گفت‌وگو پرداختند. (ص ۵۲)

۴۳] عاشقانه (۰/۷۵) به استقبال شهادت می‌روند. (ص ۹۱)

۴۴] اطاعت (۰/۷۵) از فرمان رهبر واجب است. (ص ۸۷)

۴۵] کسی در هر دو جهان رستگار می‌گردد (۰/۷۵) که به مردم کمک کند. (ص ۱۱۳) (۰/۷۵)

۴۶] من هیچ نیازمند (محتاج) در بست نمی‌شناسم (۰/۷۵) که بتوانم طلا را به او بدهم. (ص ۲۰) (۰/۷۵)

۴۷] اگر از این شخص به ما آسیبی برسد (۰/۷۵) از این جایگاه خواهد بود (ص ۵۹) (۰/۷۵)

۴۸] در وقت آسایش (۰/۷۵) همراهی بهتر است (۰/۷۵) وگرنه سرزنش کنندگان (۰/۷۵) فرصت بدگویی پیدا می‌کنند. (ص ۱۲۰) (۰/۷۵)

پاسخ آزمون (۴۹)

۱] تاج و کلاه پادشاهان (ص ۳۰ و ۱۴۵) (۰/۷۵)

۲] قدم (ص ۲۴ و ۱۵۸) (۰/۷۵) [صورت سؤال درست نیست. خطوات، جمع خطوه است؛ بنابراین معادل خطوات، قدم‌ها است. در صورت سؤال، باید می‌گفت مفرد معادلی واژه مشخص شده را بیابید.]

۳] عَلم = رایت (ص ۱۶۰) (۰/۷۵) [پرچم]

۴] گزینه (د) (ص ۱۶۴) (۰/۷۵)

۵] طوع یا رغبت یا اکراه (ص ۵۷) (۰/۷۵) [هر سه کلمه به دلیل داشتن حروف «ط، ع، غ، ت، ا، ه» ارزش املائی یکسانی دارند و معلوم نیست چرا طراح از این جمله استفاده نموده است!]

۶] الف) اعتذار (ص ۱۲۳) (ب) حمیت (ص ۱۶) (۰/۷۵)

۷] الف) ۲ مورد (ص ۱۲۵) (ب) [نوهه ← نوحه / اروزه ← روضه] (ب) ۱ مورد (ص ۱۷) (ظطراب ← اضطراب)

۸] الف) حیاط ← حیات (ص ۱۴۶) (ب) الهاج ← الحاج (ص ۱۰۶) (۰/۷۵)

۹] کلبه و خیمه: تناسب (ص ۱۳۶) (۰/۷۵)

۱۰] مرداس (۰/۷۵) بدل (ص ۹۸)

۱۱] الف) عصبی: نسبی (ص ۷۵) (ب) سوزنده: فاعلی (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۱۲] گزینه (ج) (ص ۲۹) (۰/۷۵) [در (الف)، (ب) و (د): در معنای «شد» به کار رفته و «اسنادی» است؛ در (ج) در معنای «جست‌وجو کردن» به کار رفته و «غیراسنادی» است.]

۱۳] الف) مضاف‌الیه (ص ۱۱۴) (۰/۷۵) [کفر] (ب) صفت اشاره (ص ۱۸) (۰/۷۵) [این]

۱۴] ماضی نقلی (ص ۱۴۱) (۰/۷۵) [شده‌ایم]

۱۵] خواهش مولانا (۰/۷۵) پذیرفته شد. (ص ۶۹)

۱۶] الف) مفعول (ص ۵۳) (ب) متمم (ص ۱۸) (۰/۷۵)

۱۷] الف) محذوف یا متروک یا منسوخ (از بین رفته) (ص ۱۰۳) (۰/۷۵) (ب) تحوّل معنایی (معنای آن در گذر زمان عوض شده است.) (ص ۱۷) (۰/۷۵)

۱۸] الف) مرهم یا مرهم عاشق (۰/۷۵) (ب) وابسته‌ساز (۰/۷۵) [که] (ص ۹۱)

۱۹] آتش (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۲۰] الف) نعمت‌های بزرگ و غیرقابل دسترس (نعمت‌هایی که سخت به دست می‌آیند.) (۰/۷۵) (ب) مراعات نظیر (ص ۱۴۰)

۲۱] مردم بازار (ص ۱۰۲) (۰/۷۵) [بازار]

۲۲] وزن - آهنگ (ص ۳۲) (۰/۷۵)

۲۳] استعاره (ص ۶۱) (۰/۷۵) [رگ روح]

۲۴] واج‌آرایی (ص ۷۱) (۰/۷۵)

۲۵] حس‌آمیزی (ص ۷۷) (۰/۷۵) [قصه‌های شیرین]

۲۶] هوش و گوش (ص ۱۲) (۰/۷۵)

۲۷] قهرمانی (ص ۱۰۳) (۰/۷۵)

۲۸] الف) تشخیص (ص ۱۲۱) (ب) متناقض‌نما (ص ۷۷) (۰/۷۵)

۲۹] الف) محمّد عوفی (ص ۱۲۳) (ب) دکتر اسلامی ندوشن (ص ۷۸) (۰/۷۵) (ج) ریچارد باخ (ص ۱۵۴) (۰/۷۵)

۳۰] حمله حیدری (ص ۱۱۲) (۰/۷۵)

۳۱] گزینه (ب) (ص ۱۱۵) (۰/۷۵)

۳۲] مرا اوج عزّت در افلاک توست (ص ۱۱۵) (۰/۷۵)

۳۳] آنکه در دستش کلید شهر پرایینه دارد (ص ۹۵) (۰/۵)

۳۴] تعداد زیاد لشکریان دشمن (ص ۲۹ و ۱۳۹) (۰/۵)

۳۵] دعوت به شناخت حقیقت یا حقیقت درون همه وجود دارد یا دعوت به خودشناسی (ص ۱۵۴) (۰/۵)

۳۶] گزینه (ج) (ص ۱۰) (۰/۷۵)

۳۷] الف) ۳ (ص ۱۲) (ب) ۱ (ص ۵۸) (ج) ۵ (ص ۱۵۴) (۰/۷۵) (د) ۲ (ص ۱۲۴) (۰/۷۵)

۳۸] نویسنده باکفایت و لایق (ص ۱۸) (۰/۵)

۳۹] آزادگی، دل نبستن به دنیا، وارستگی (ص ۷۱) (۰/۵)

۴۰] فریدون (۰/۷۵) بزرگان (ص ۱۰۱)

۴۱] تشکیل جلسه دادند. (ص ۱۲۹) (۰/۷۵)

۴۲] تمام اقوام (۰/۷۵) همگی با هم یک نظر دادند. (ص ۵۲)

۴۳] [شهاد] با تمام وجود (۰/۷۵) پایکوبی و شادی می‌کنند. (ص ۹۱)

۴۴] باید از اینجا با اشتیاق (۰/۷۵) به سوی کشور فلسطین برویم. (ص ۸۷)

۴۵] یقین و اطمینان قلبی (۰/۷۵) چشم آن شخص را بینا و آگاه ساخت. (ص ۱۲) (۰/۷۵)

۴۶] گروه سواران و لشکری‌ها را (۰/۷۵) فرستاده بود. (ص ۱۸)

۴۷] شما [فرشتگان] به ظاهر و جسم توجه نکنید (۰/۷۵) بلکه به درون و باطن انسان توجه نمایید. (ص ۵۸)

۴۸] اگر چه خستگی تو (۰/۷۵) به اوج رسیده باشد (۰/۷۵) در حق من سستی کردن (۰/۷۵) را جایز نمی‌دانی. (ص ۱۲۰)